



دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

بررسی عناصر فرهنگی و اجتماعی
تاریخ جهانگشای جوینی (ج ۱)

استاد راهنما :

دکتر نرگس محمدی بدر

استاد مشاور :

دکتر فاطمه کوپا

نگارش :

کیانا ناظری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

فروردین ۱۳۸۹

دانشگاه پیام نور
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

بررسی عناصر فرهنگی و اجتماعی
تاریخ جهانگشای جوینی (ج ۱)

استاد راهنما :

دکتر نرگس محمدی بدر

استاد مشاور :

دکتر فاطمه کوپا

نگارش :

کیانا ناظری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

فروردین ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از بذل عنایت و توجه استادان ارجمند و
گراتقدر، استاد فرهیخته سرکارخانم
دکتر محمدی بدر و استاد فرزانه
سرکارخانم دکتر کویا که راهنمایی آنان
چراغ راه تحقیق اینجانب بوده است کمال
تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

در تاریخ ایران هجوم مغولان، بیش از سایر حملات در تمدن، فرهنگ و موجودیت این سرزمین تاثیر به جای گذاشته است.

هجوم مغول، فرهنگ غنی و دیرپای ایرانی را برای مدت های مدید از عرصه فعالیت و سر زنده بودن دور ساخت. این هجوم و تخریب برای گروه ها و متفکران اجتماعی و فرهنگی آن دوره غیر قابل پیش بینی بود.

این تهاجم، از گسستی تاریخی- فرهنگی اشاره دارد. این گسست نتوانست فرهنگ و تمدن ملی ایرانیان را از پای درآورد. اما با افزودن تملق، تزویر و ریا، به آن صدمه زد که آثار آن هنوز نیز در تار و پود زندگی ما مشاهده می شود. مغولان با وجود تسلط دورانی کوتاه بر ایران، خود به ناچار تسلیم این فرهنگ شدند و آداب و رسوم، رفتارها، خوشی ها، ناخوشی ها، جشن ها و آیین های ملی ایرانیان را پذیرا شدند.

تاریخ جهانگشا توانست به شیوه خود از نابودی علم و ادب ایران جلوگیری کند. عناصر فکری جوینی او را بر آن می دارد که رویدادهای تاریخی را با دقت بررسی کند تا سخنی بر خلاف حقیقت نگوید و این امر ناشی از ایمان و فرهنگ دینی اوست.

بررسی و تحلیل موضوعی تاریخ جهانگشا، اوضاع فرهنگی - اجتماعی و حتی سیاسی دوره استیلای مغول را به روشنی بیان کند. به همین منظور برای درک بیشتر تأثیرات متقابل برخورد دو فرهنگ متفاوت، این اثر ارزشمند مورد نگاهی نو قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مغول- فرهنگ ایران- تمدن - اجتماع

فهرست مطالب

عنوان ----- صفحه

مقدمه ----- ۱

فصل اول: بیان مسأله و پرسش‌های پژوهش

اهمیت و ضرورت پژوهش ----- ۶

اهداف پژوهش ----- ۷

شیوه پژوهش ----- ۷

پیشینه پژوهش ----- ۸

فصل دوم: فرهنگ و اجتماع

فرهنگ ----- ۱۵

اجتماع ----- ۱۶

مغول ----- ۱۷

عظام‌لک جوینی ----- ۱۹

فصل سوم: عناصر فرهنگی و اجتماعی

چنگیزخان ----- ۲۷

یاسا، «قوانین چنگیزی» ----- ۲۹

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران عهد مغول ----- ۳۵

نظام حقوقی ایران در عصر مغول ----- ۳۷

بخش اول: پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی در جهانگشا ----- ۴۰

گفتار اول: عناصر آیینی و فرهنگی ----- ۴۲

۳-۱-۱ آیین‌ها و عادات غذایی ----- ۴۲

۳-۱-۲ پوشیدنی‌ها ----- ۴۳

صفحه	عنوان
۴۴	۱-۳-۱-۳ مجالس و مراسم
۴۴	۱-۳-۱-۱-۳-۱-۳ مجلس قوريلتای (شورا)
۴۶	۱-۳-۱-۱-۳ مشورت
۴۸	۱-۳-۱-۱-۳ مجلس يارغو
۴۹	۱-۳-۱-۱-۳ ضرب المثل
۵۰	۱-۳-۱-۱-۳ زيور آلات
۵۲	گفتار دوم: رفاہ اجتماعی
۵۲	۱-۳-۱-۲-۱ مسکن و شهر سازی
۵۴	۱-۳-۱-۲-۲ اماکن مخصوص، معماری ساختمان ها و شهرها
۵۶	۱-۳-۱-۲-۳ خدمات پستی و اعزام ایلچیان
۵۸	۱-۳-۱-۲-۴ تجارت
۶۰	۱-۳-۱-۲-۵ علايق و خصوصيات قومی
۶۲	۱-۳-۱-۲-۶ کشتی گیری
۶۳	۱-۳-۱-۲-۷ زراعت و کشاورزی
۶۵	بخش دوم: دین مغولان
۶۷	۱-۳-۱-۲-۱ اعتقادات مذهبی و خرافات
۷۰	۱-۳-۲-۲ بیماری و مراسم تدفین
۷۲	۱-۳-۲-۳ دعا
۷۳	۱-۳-۲-۴ نجوم
۷۵	۱-۳-۲-۵ ارواح، سحر، جادو
۷۸	۱-۳-۲-۶ دین مغولان و ادیان دیگر

عنوان ----- صفحه

بخش سوم: دستگاه لشکری ----- ۸۳

۱-۳-۳ قوانین و ارکان لشکری ----- ۸۴

۲-۳-۳ ادوات جنگی ----- ۸۸

۳-۳-۳ اسیران و بردگان ----- ۹۱

۴-۳-۳ شیوه جنگ ----- ۹۲

۵-۳-۳ شکار ----- ۹۵

۶-۳-۳ شیوه شکار ----- ۹۶

۷-۳-۳ اهمیت شکار ----- ۹۸

بخش چهارم: دستگاه حکومتی ----- ۱۰۰

۱-۴-۳ تشکیل حکومت ----- ۱۰۱

۲-۴-۳ انتخاب جانشین ----- ۱۰۱

۳-۴-۳ عوامل حکومتی ----- ۱۰۳

۴-۴-۳ اسامی و القاب ----- ۱۰۶

۵-۴-۳ نشان ها و فرامین ----- ۱۰۷

۶-۴-۳ عفو و بخشش ----- ۱۰۹

۷-۴-۳ تقسیم امور کشوری ----- ۱۱۰

بخش پنجم: حقوق و قوانین ----- ۱۱۲

۱-۵-۳ اصول حقوقی ----- ۱۱۲

۲-۵-۳ مجازات ----- ۱۱۳

۳-۵-۳ محاکمه ----- ۱۱۶

۴-۵-۳ انتقام و خود کشی ----- ۱۱۷

۵-۵-۳ مالیات ----- ۱۱۹

صفحه	عنوان
۱۲۰	۳-۵-۶ ارث
۱۲۲	بخش ششم: زنان
۱۲۳	۳-۶-۱ نقش زنان
۱۲۶	۳-۶-۲ ازدواج

فصل چهارم: نتیجه گیری

۱۲۸	نتیجه گیری
۱۳۰	جدول ونمودار
۱۴۱	اعلام
۱۴۶	پی نوشت ها
۱۵۱	منابع وماخذ
۱۵۵	چکیده انگلیسی

مقدمه

فرهنگ همچون فرآورده‌ی ویژه‌ی انسان‌هایی که در جوامع زندگی می‌کنند، یا همچون مجموعه ویژه‌ی همبسته و پیوسته‌ای از خصوصیات رفتار بشری است که می‌توان آن را پدیده‌ای همچون زندگی دانست که درعین وابستگی به بنیان فیزیکی- شیمیایی خود، از آن‌ها مستقل و برتر است.

(آشوری، ۱۳۵۷: ۳۵)

آدمیان در جوامع زندگی می‌کنند و هر جامعه فرهنگی دارد. «سیستم اجتماعی- فرهنگی»، فرهنگی است که یک گروه یا یک قبیله یا یک ملت دارد که عناصر فرهنگی آن می‌تواند آزادانه از یک سیستم به یک سیستم دیگر راه یابد. هر سیستم اجتماعی- فرهنگی، تمامی عناصر فرهنگ بشر را در خود دارد، اما از نظر ساخت و سازمان، بسیار گوناگون هستند. عامل این گوناگونی، می‌تواند اختلاف زیستگاهی و منابع طبیعی باشد و یا نژادی.

برای تحلیل سیستم‌های اجتماعی- فرهنگی، عامل زیستی وجود انسان را نباید فراموش کرد. با بررسی و نفوذ در این عامل می‌توان به بسیاری از ویژگی‌ها، رفتارها، حرکات و شخصیت انسان‌ها پی برد. (همان: ۹۱)

«تسودی باربو» در کتاب خود به نام «جامعه، فرهنگ و شخصیت» معتقد است که بیشتر تعریف‌های فرهنگ بر دو نکته تأکید دارند: نخست، عناصر فرهنگ چه به صورت عادات اجتماعی و چه به صورت روش زندگی یک جامعه؛ دوم اثر انگیزاننده و هنجاری این عناصر بر رفتار فرد.

(پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳)

کوچک‌ترین موضوع و واحد قابل تعریف تشخیص در فرهنگ را عنصر فرهنگی می‌گویند. عنصر فرهنگی نزد همه متخصصان یکسان نیست. به طور مثال در زمینه مسکن اگر خانه را در نظر بگیریم می‌توان عناصر مادی فراوانی (چون اطاق‌ها و آشپزخانه و ...) و عناصر غیر مادی زیادی (چون رفتار افراد خانه با یکدیگر، رفتار با جامعه خارج از خانه، نحوه گذراندن اوقات فراغت و ...) را مشخص نمود و هر یک از این عناصر را نیز می‌توان به اجزای کوچک‌تری تقسیم کرد.

(روح الامینی، ۱۳۷۹: ۲۶)

بنابراین هر جامعه‌ای بسته به این که عناصر جدید، با کل بدنه الگوساز فرهنگ پذیرنده سازگاری دارد یا نه، ممکن است عناصر فرهنگی جدیدی را بپذیرد یا طرد کند. (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۰۴)

هنر و فرهنگ ایرانی سرآمد هنرهای شرقی است. این سروری و رجحان حاصل تلاش و کوششی دیرینه است که قدم کهن ایرانی با دقت، وسواس و بردباری بی نظیر خود آن را آفریده و به تمدن بشری عرضه داشته است. عناصر فرهنگی و جلوه‌های هنری با نیرومندی در کاشانه جان ایرانیان آشیانه کرده و از چندان عظمتی برخوردار است که تاثیر بنیادی نخواهد پذیرفت. (مجموعه مقالات: ۱۳۷۹: ۳۸۱) با وجود آن که دستخوش حملات مخرب و خانمان سوز آن مردم دور از مردمی شدند، خواه ناخواه پس از اندک زمانی در تحت قیادت و سیادت معنوی ملل مغلوب خود درآمدند. در تصادم دو قوم با یکدیگر وقتی که از جهت استعداد فطری و روش زندگانی بین آنها اختلاف کمی باشد مسلم غلبه به قومی است که نیروی تدبیر و سیاست و فضل و آدابش قوی‌تر باشد، به خصوص اگر افراد این قوم متکی به مآثر تاریخی و ادبیات لطیف و پر افتخار گذشته بوده باشند.

فرهنگ در برابر فرهنگ، قدرت در برابر قدرت و شمشیر در برابر قلم قرار می‌گیرد. سلاح‌هایی بُرنده چون تمدن و دین به کار گرفته می‌شوند و سرانجام به پیروزی مغلوب می‌انجامند و درسی است که همیشه به یاد خواهد ماند. این تلاش بار دیگر راز بقای ایران را بر شما آشکار می‌سازد. (بیانی، ۱۳۷۱: یازده)

دژ استوار هنر و فرهنگ ایرانی در برابر تهاجمات مغولان بیشترین مقاومت را از خود نشان داده است. دولت‌مردان با تدبیر و خاندان‌های مؤثر همچون خواجه نصیرالدین طوسی و خاندان جوینی‌ها، تمامی دانش و علم خویش را هنرمندان در راه بهبود اوضاع و تعدیل تغییر عناصر بازدارنده عوامل مغول به کار برده‌اند. این دانشمندان هنرپرور فضایی را پدید آوردند تا هنرمندان و متفکران بتوانند گوی اندیشه و هنر و فرهنگ خویش را تا اقصی نقاط عالم برانند.

(مجموعه مقالات، ۱۳۷۹: ۳۸۲)

کشتار بی‌امان مغول، کمتر شهر و ده و ناحیه‌ای را مستثنی ساخت. هر جا که پای آن خونخواران رسید، ویرانی و قتل پیشاپیش آنان سوی تاخت. رفتارشان باممالک مفتوحه همه جا خشن و وحشیانه و دور از رحم و مقرون به کمال قساوت و سنگدلی بود. (صفا، ۱۳۷۸ ج ۳: ۵۲)

نویسندگان و دانشمندان گریختند تا در مناطقی که تلخی شکست را کمتر چشیدند پناه جویند و آن قسمت از میراث فرهنگی که نتوانستند با خود نجات دهند محکوم به فنا گردید.

(بویل، ۱۳۶۶: ۶۳۸)

قوم مغول در مقام مقایسه با بسیاری از سرزمین‌هایی که تحت تسلط خویش درآورد، از نظر فکری و فرهنگی چیزی نداشت و در برخوردهای ابتدایی کوچک‌ترین توجهی به فرهنگ و تمدن ملت‌ها نکرد و تمام تلاش و کوشش خویش را برای فتوحات ارضی و گسترش متصرفات مبذول داشت و در نتیجه‌ی آن، سرزمین‌ها از جمله ایران زیان بسیار دیده و در زیر دست و پای مهاجمان خرد و له گشتند. (گیلانی، ۱۳۸۴: ۵۶)

برای این منظور کتاب ارزشمند «تاریخ جهانگشای جوینی» به سعی و تصحیح محمد قزوینی، (انتشارات ارغوان: ۱۳۶۷) به عنوان جامعه آماری و منبع اصلی وقایع و رویدادهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی مغول، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و سعی شده است عناصر فرهنگی و اجتماعی آن دوره، از لابلای روایات و گزارشات ارایه شده توسط «عظاملک جوینی»، نمایان گردد.

در این پایان‌نامه، با محوریت اصلی اهداف ذکر شده و برای تبیین بیشتر آن‌ها، سه فصل به شرح ذیل آورده شده است:

فصل اول: کلیات تحقیق؛ که بیانگر اهمیت و ضرورت پژوهش، سؤالات و اهداف اصلی پژوهش و نیز شناساندن عناصر کلیدی تحقیق است. با توجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته، این گونه به نظر می‌رسد که تاریخ جهانگشا، از جنبه عناصر فرهنگی و اجتماعی مورد ارزیابی قرار نگرفته و تنها تحقیقاتی در زمینه‌های فنی و سبکی آن انجام شده است. به همین منظور، نگاهی تازه و بررسی جدید از ابعاد مختلف آن، ضرورت یافته است. که در این بخش از پژوهش، با توجه به سؤالات و اهداف پژوهشی، منابع و مآخذ شناسایی، مطالعه و بررسی شده‌اند. در کنار آن، مقالات و مجلات مرتبط با این بحث، ارزیابی شده‌اند. مراجعه به سابقه تحقیقات صورت گرفته، مرحله بعدی کار بوده تا عناصر فرهنگی و اجتماعی شناسایی و تحلیل شود و در ادامه از کل منابع فیش‌برداری انجام شده است و در مرحله پایانی، مطالب بر اساس موضوع و مباحث مختلف، تدوین و طبقه‌بندی شده‌اند.

فصل دوم: یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ این فصل مشتمل بر شش بخش است:

بخش اول: عناصر آیینی و فرهنگی؛ در این بخش سعی شده است عناصر فرهنگی عصر مغول با شواهدی ارایه و شیوه زندگی اجتماعی مردم آن دوره منعکس شود.

بخش دوم: دین مغولان؛ مطالعات نشان داده است که پایه‌های زندگی مغولان از تولد تا مرگ، براساس اعتقادات مذهبی آن‌ها بوده و بیشترین تأثیر را بر زندگی و شخصیت آن‌ها داشته است که در این بخش به تأثیرات باورهای قومی و مذهبی قوم مغول پرداخته شده است.

بخش سوم: دستگاه لشکری؛ زندگی مغول از همان ابتدا همراه جنگ، کوچ و مبارزه بوده که متأثر از زندگی صحرائشینی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی آن سرزمین است که در این بخش به تفصیل به آن پرداخته شده است.

بخش چهارم: دستگاه حکومتی؛ در این بخش شیوه‌ی تشکیل حکومت، مراسم جانشینی خان مغول، نشان‌ها و فرامین چنگیزی و نیز تقسیمات کشوری بعد از تشکیل حکومت واحد مغولی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش پنجم: اصول حقوقی؛ مغولان طبق عقاید و قوانینی که از ابتدا به آن معتقد بودند و نیز یاسای چنگیزی، سعی بر آن داشته‌اند تا نیازها و حوایج خود را بر اساس فرهنگ بدوی خود برطرف کنند و خارج از آن عملی انجام ندهند. هر چند این قوانین در برخورد با فرهنگ و قوانین ملل دیگر رنگ باخته و تغییراتی پذیرفته است.

بخش ششم: نقش زنان؛ با توجه به نقش و تأثیر زنان و موقعیت اجتماعی آنان، سعی شده تصویری از زن دوره‌ی مغول با توجه به مشاهدات و اسناد موجود، ترسیم شود و مرتبه و مقام زن، آن چنان که بوده، بیان شود.

فصل اول: بیان مسأله و پرسش‌های پژوهش

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در تمام افکار و امیال، الفاظ و فعالیت‌های ما منعکس است. مقتضیات محیط طبیعی، به اجبار ارگانیسم‌های حیوانی را دگرگون می‌کنند و این دگرگونی باعث انطباق آن‌ها بر طبیعت می‌شود. ولی انسان به اتکای فرهنگ خود، از یوغ طبیعت می‌رهد و به جای آن که در مقابل تحریکات محیط طبیعی دستخوش تغییرات شود، طبیعت را موافق حال خود می‌کند.

(آریان پور، ۱۳۵۷: ۱۲۳)

بدون شک، حمله مغول به ایران و نابودی شهرها، سوختن کتابخانه‌ها و کشتار انسان‌ها بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی و نیز خط سیر علم در دوران بعد از مغول بی‌تأثیر نبوده است. نابودی زیر بنای علمی در کشور در مقطع زمانی محدود که شامل نابودی شهرها، کتابخانه‌ها، ... و سرخوردگی اجتماعی، کشتارها، همه و همه باعث تغییر مسیر زندگی اجتماعی و به تبع آن مسیر پژوهش‌های علمی در ایران شده است.

تهاجم مغول نتوانست فرهنگ و تمدن باستانی و ملی ایرانیان را از پای در آورد، اما افزودن تملق، تزویر و ریا، به حدی به آن صدمه زد که آثارش هنوز در تار و پود زندگی ما مشاهده می‌شود. مغولان با وجود تسلط دورانی کوتاه بر ایران خود به ناچار تسلیم این فرهنگ شدند و آداب و رسوم، رفتارها، خوشی‌ها، ناخوشی‌ها و آیین‌های ملی ایرانیان را پذیرا شدند. پایدار ماندن ملت ایران با این همه تهاجم خوفناک و وجود سالیان دراز حاکمیت بیگانه بر کشور از شگفتی‌های زندگی اجتماعی است. (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹: ۸۷)

کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، نگارش یافته این دوران، در حقیقت نقش فتنه مغول در روند سیر تکاملی و قهقرایی اجتماع و فرهنگ در ایران را مورد بررسی قرار داده است و به عنوان مفصل‌ترین و دقیق‌ترین تاریخ به جا مانده از دوره استیلای مغول، می‌تواند گنجینه‌ای ارزشمند برای پیدا نمودن پاسخ سؤال‌های زیر باشد:

- ۱- عناصر فرهنگی و اجتماعی در تاریخ جهانگشا ذکر شده است؟
- ۲- وضعیت جامعه ایرانی در قرن هفتم و هشتم (ه.ق) با توجه به عناصر فرهنگی اجتماعی در تاریخ جهانگشا چگونه است؟
- ۳- نوع نگرش و دیدگاه نویسنده در برخورد با این عناصر چگونه بوده است؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

هنر و فرهنگ ایرانی سرآمد هنر و فرهنگ‌های شرقی است. این سروری و رجحان، حاصل تلاش و کوششی دیرینه است که قوم کهن ایرانی با دقت، وسواس و بردباری بی‌نظیر خود، آن را آفریده و به تمدن بشری عرضه داشته است.

ایرانیان از بسیاری از ملل قدیم الهام پذیرفته‌اند، از بین‌النهرین، آشور و... ولی هیچ‌کدام از این‌ها، اثر عمیقی در عادات مردمی نگذاشت که بر ایشان نقش‌های نمادی و مجرد جاذبه‌ای بیشتر و بیشتر داشت که سرانجام در گنجینه هنر و فرهنگ ایران جذب و ایرانی شدند.

(پوپ، ۱۳۶۳: ۱۳۶)

عناصر فرهنگی با نیرومندی در کاشانه جان ما آشیانه کرده و از چندان عظمتی برخوردار است که به آسانی تأثیر بنیادی نخواهد پذیرفت. همواره نیروی درونی فرهنگ ما را محفوظ داشته و از نابودی و اضمحلال رهایی بخشیده است.

دژ استوار فرهنگ ایرانی همواره در برابر تهاجمات بیگانگان و از جمله، حمله خونخوارانه مغول بیشترین مقاومت را از خود نشان داده است. (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹: ۳۸۲)

آثار و اسناد تاریخی بیان‌کننده فرهنگ، هنر، ارزش، معیار و ویژگی‌های زندگی فردی و جمعی هر جامعه است، بررسی و پژوهش آن را می‌توان درس زندگی نامید. وقتی سرگذشتی را ارزیابی می‌کنیم در کشاکش حوادث آن قرار می‌گیریم و با آن آمیختگی پیدا می‌کنیم. می‌توانیم اندیشه‌های والا و ارزشمند را باز نماییم و پندارهای نابخردانه را نقد کنیم، پژوهش در این زمینه می‌تواند معیارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ادبیات سنتی ما را زنده کند.

در میان آثار تاریخی، تاریخ جهانگشای جوینی به حق سندی معتبر و ارزشمند از مناسبات و روابط اجتماعی و فرهنگی دوره استیلای مغول است.

در ارزش تاریخ جهانگشا کافی است بگوییم همه کسانی که درباره‌ی مغول پژوهش کرده‌اند این کتاب را به عنوان مأخذی معتبر می‌شناسند. صداقت و بی‌طرفی مؤلف در بیان وقایع از دیگر امتیازات آن محسوب می‌شود. با وجود اهمیت زیادی که جهانگشا در دوره حساس تهاجم مغول دارد، اما تاکنون چنان‌که شایسته آن بوده ارزیابی نشده است. (همان: ۱۲۸۳-۱۲۸۰)

این امر باعث تشویق محقق گشته است تا با فراهم آوردن زمینه‌هایی برای شناخت و آگاهی هر چه بیشتر دانش پژوهان در بیشتر زمینه‌های علوم و رشته‌های دانشگاهی به خصوص پژوهندگان زبان فارسی، قدمی در جهت شناسایی و معرفی عناصر فرهنگی و اجتماعی دوره استیلای مغول برداشته و این دوره از تاریخ فرهنگ ایران روشن‌تر مطرح شود.

اهداف پژوهش

- ۱- معرفی ادبیات دوران استیلای مغول و آشنایی با فرهنگ و باورهای مردم آن دوران از خلال تاریخ جهانگشا.
- ۲- شناخت تأثیر و تأثر عناصر فرهنگی و اجتماعی ایران و عناصر فرهنگی و اجتماعی مغول.
- ۳- شناسایی جامعه ایرانی در قرن هفتم و هشتم هجری قمری از نظر فرهنگی و اجتماعی.

شیوه پژوهش

پژوهش تاریخی- فرهنگی در حقیقت جست‌وجوی منظمی است در اسناد، مدارک و منابع دیگری که در زمینه موضوعات مرتبط، دارای حقایقی هستند.

مراحل اساسی پژوهش تاریخی، فرهنگی عبارتند از:

- تعیین و تعریف مسأله

- تدوین فرضیه

- جمع‌آوری و سازماندهی اطلاعات

- تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده

- تهیه گزارش تحقیق

اجرای این مراحل درک و بینش جدیدی درباره گذشته ایجاد می‌کند. (دلاور، ۱۳۸۷: ۲۳۳)

با نظر به این اهداف، پژوهش مورد نظر بر اساس روش کتابخانه‌ای و تاریخی و تجزیه و

تحلیل داده‌ها صورت گرفته است.

ابتدا مطالعه‌ی کلی منابع مرتبط با موضوع مورد نظر و نیز مطالعه و بررسی فرهنگی - اجتماعی تاریخ جهانگشای جوینی به منظور دستیابی به مفاهیم اصلی موضوع مورد پژوهش که با مراجعه به کتابخانه و سایت‌های اطلاعاتی این مهم انجام شده است. سپس فیش‌برداری موضوعی از کتاب جهانگشای جوینی (جلد اول، تصحیح محمد قزوینی) به عنوان جامعه آماری و جمعیت نمونه و تفکیک و تنظیم موضوعی و منطقی داده‌ها. پس از آن تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب شش بخش و در انتها نتیجه‌گیری و تحلیل آماری عناصر فرهنگی و اجتماعی موجود در تاریخ جهانگشا.

پیشینه پژوهش

از آنجا که موضوع علم تاریخ، شناخت آداب، رسوم، فرهنگ، اعتقادات دینی، بررسی اندیشه‌ها، تفحص علل شکست‌ها و پیروزی‌ها، جایگاه‌ها و مقام‌هاست و در آخر، عبرت‌آموزی از رویدادهای تاریخی؛ بنابراین می‌توان گفت کتب تاریخی گنجینه‌هایی هستند سرشار از اطلاعات و گزارشات مفید که با بررسی موشکافانه آن‌ها می‌توان عوامل پیروزی و پیشرفت انسان‌ها را در آینده نمایان کرد. بشر از تاریخ برای درک حال استفاده می‌کند.

اگر چه تاریخ‌نگاری در ایران سابقه‌ای بس طولانی دارد اما تا به امروز تنها منابع تاریخی معدودی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و آن هم از جنبه‌های خاصی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در حالی که می‌توان از لابلای برگ‌های تاریخ پی به واقعیاتی برد که پاسخ بسیاری از مسایل و مجهولات امروز ماست. از این منظر تاریخ جهانگشای جوینی، جایگاه ویژه‌ای در ادب و فرهنگ ایران دارد که متأسفانه «چنانکه شایسته آن بوده ارزیابی نشده است». (بارتلد، ۱۳۶۸: ۱۱۹-۱۱۲)

نقد و بررسی این اثر ارزشمند می‌تواند روشنگر بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی قرن هفتم و هشتم باشد. شناخت و تحلیل موضوعی این اثر، نه تنها بیانگر خاستگاه نویسنده و دیدگاه اوست بلکه ترسیم‌کننده‌ی ارزش‌ها و اهداف جامعه‌ی آن دوره نیز هست. بنابراین بررسی فرهنگی، اجتماعی این اثر می‌تواند صفحات تاریک تاریخ را برای نسل ادب پژوه و عامه‌ی مردم روشن کند. در زمینه عناصر فرهنگی و اجتماعی در تاریخ جهانگشا به شکل گسترده و مشخص، منبعی چه به صورت مقاله و چه پایان‌نامه موجود نمی‌باشد و تنها به کتب و منابعی که در احوالات و اوضاع چنگیز خان و مغولان در دسترس بوده استناد شده است.

اولین کتابی که درباره احوال و فرهنگ مغول نوشته شده توسط «یاقوت حموی» در اثر معروف خود «معجم البلدان» است که فرهنگی، جغرافیایی است و گنجینه‌ای از اطلاعات تاریخی و ادبی که نویسنده گاهی در ذکر بلاد خراسان، ماوراءالنهر و ترکستان، به حملات و استیلاهای مغول اشاره می‌نماید.

بعد از یاقوت حموی، «عزالدین ابوالحسن جزری» معروف به «ابن الاثیر» بزرگ‌ترین کتاب تاریخی را به رشته تحریر در آورد به نام «الکامل فی التاریخ» که تاریخ عمومی عالم است از ابتدای خلقت تا سال (۶۲۸ ه.ق). ابن الاثیر خود معاصر با استیلاهای مغول بوده، از اواخر عهد قراختاییان و خوارزمشاهیان تا اواخر ایام سلطان جلال‌الدین منکبرنی. که وقایع را به دقت تمام ضبط کرده است. الکامل فی تاریخ یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ مغول به شمار می‌رود.

«سیره جلال‌الدین منکبرنی» نگاشته شده در (۶۳۹ ه.ق) به قلم توانا «محمد نسوی منشی» که مشتمل است بر تاریخ دوره آخر سلطنت خوارزمشاهیان و ابتدای خروج مغول و تمام وقایع و حوادث اتفاق افتاده درباره سلطان جلال‌الدین، که از معتبرترین منابع دوره استیلاهای تاتار است. کتاب «طبقات ناصری» نوشته «منهاج سراج» از منابع بسیار مفید و پر ارزش و از جمله مأخذ متقن درباره‌ی حوادث آغاز دوره مغول به خصوص حوادثی است که در مشرق فلات ایران جریان یافته است. این کتاب حاوی بیست و سه قسمت است که هر قسمت از آن، خاص طبقه‌ای از انبیا و خلفا و سلاطین است. قسمت بیست و سوم آن مربوط است به استیلاهای مغول از آغاز تا فتح بغداد. این کتاب به سال (۶۵۸ ه.ق) تألیف یافته است.

از نظر زمانی، قدیمی‌ترین منبع تاریخ مغول و از مهم‌ترین آن‌ها کتاب «تاریخ و صاف» است. «ادیب شهاب‌الدین فضل‌اله شیرازی» ملقب به «وصاف الحضرة» از سال (۶۹۹ هجری) شروع به نوشتن کتاب «تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار» کرده است. موضوع کتاب بیان وقایع تاریخ ایلخانان ایران و امرای اطراف از سال (۶۵۶ تا ۷۲۸ هجری)، یعنی تا نیمی از عهد سلطان ابوسعید بهادر است. تاریخ و صاف با ذکر گزارشاتی درباره‌ی قآآنان مغول شروع شده و اطلاعات بسیار سودمندی درباره‌ی ایلخانان مغول از سلاطین و وزراء در آن آمده است. کتاب در پنج مجلد تنظیم یافته و از اختصاصات آن بیان مطالبی درباره‌ی وضع اجتماعی- فرهنگی عهد مؤلف است.

«جامع التواریخ» رشیدی کتاب مفصلی است در تاریخ مغول. تألیف کتاب دراصل به امرغازان خان آغاز شد. وی خواجه رشیدالدین را مأمور کرد تا تاریخی از قوم مغول و حکومتش ترتیب دهد و خواجه با کسب اطلاعات کتبی و شفاهی که در دسترس او بود شروع به کارکرد و در سال (۷۱۰ه.ق) آن را به پایان برد.

قسمت اصلی و مهم کتاب جامع التواریخ، جلد اول، یعنی «تاریخ مبارک غازانی» دارای اطلاعات بسیار مهم درباره‌ی طوایف مغول، تاتار، عشایر و شعب آن‌ها و خانان و خاندگان مغول است. این جلد ابتدا در سال (۱۸۸۸-۱۷۶۱) توسط «برزین روسی» به طبع رسیده است و در سال (۱۳۳۸) با حواشی و تعلیقات و توضیحات لغوی و اصطلاحات و فهراس اعلام، به کوشش «بهمن کریمی» به طبع رسیده است. که شامل دو فصل است:

فصل اول: تاریخ طوایف مختلفه ترک و مغول، مشتمل بر یک مقدمه و چهار قسمت.
فصل دوم: تاریخ چنگیزخان و اسلاف و اخلاف او تا زمان غازان خان. البته طبق نظری که مرحوم بهار در سبک‌شناسی داشته‌اند اخبار و اسنادی از چنگیزخان توسط فردی چینی به نام «پولاد چین سانگ»^۲ که به خواجه داده شده و او بدین وسیله توانست تاریخ اقوام مغول را تا زمان غازان خان مدون سازد که اصل اثر به زبان مغولی بوده است.

اثر مهم و معروف فخر بناکتی «روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب» است که به تاریخ بناکتی شهرت دارد. این کتاب تاریخ عمومی عالم است از خلقت آدم تا جلوس سلطان ابوسعید خان. مؤلف دنباله وقایع را تا سال (۷۱۷ هجری) که آغاز دوره سلطنت سلطان ابوسعید است، کشانیده و آن را از جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌اله وزیر، تلخیص کرده و به ایجاز بازنموده است. وی در تاریخ بیست و پنجم شوال سال (۷۱۷ هجری) اثر خود را به پایان رساند. کتاب در نه قسم تدوین شده است از تاریخ انبیا شروع شده و به تاریخ مغول ختم شده است.

در میان تواریخ معتبری که ذکر آنان رفت چهار کتاب سیره جلال الدین نسوی، تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صاف و تاریخ غازانی رشیدالدین فضل‌اله که ارکان اربعه تاریخ مغولند، بقیه جنبه تاریخ عمومی دارند و به همین مناسبت از تاریخ مغول ذکری کرده اند.

«روضه الصفا» «میرخواند» کتاب دیگری است که در هفت جزء در تاریخ ایران و اسلام به طبع رسیده، در سیره انبیا و ملوک و خلفا؛ جلد پنجم آن در شرح مغولان از ابتدا تا دوران سربداران بیان شده که در ذکر اصل و نسب مغولان، لشکرکشی ها، حکومت ها، جانشینی و آداب مغول به تشریح آورده است.

غیر از کتب فارسی نام برده شده، در میان نویسندگان عربی زبان نیز دو نفر را باید در نظر داشت که از کتب ایشان نیز به مناسبت معاصر بودن با مغولان، مطالبی چند به دست می آید.

«ابن الفوطی» «کمال الدین عبدالرزاق بغدادی» مورخ عرب است که «تاریخ الحوادث الجامعه» از او به جامانده است. که وقایع آن دوران را از ابتدای قرن هفتم تا سال (۶۲۸ ه.ق) نوشته است. «ابن بطوطه» دیگر مورخ عرب، در اواخر عهد ابوسعید در ممالک مغول مسافرت کرده و سفرنامه ای از خود به یادگار گذاشته است. وی در طول سفر خود بسیاری از نکات تاریخی عصر خویش را یادداشت نموده و می توان از مقایسه ی آنها با سایر منابع استفاده های بسیار کرد.

اما در بین منابع غیر اسلامی و اسناد چینی و مغولی، قدیم تر از همه حماسه ای است مغولی که در سال (۶۳۷ ه.ق) تدوین شده به نام «یوان چائویی شی»^۳ یا «تاریخ سری مغول» و این قدیمی ترین اسناد موجود درباره چنگیز خان و اجداد اوست ولی به شکل تاریخ نیست بلکه داستانی منظوم است به صورت حماسه که نمی توان به وقایعی که در آن به رشته نظم آمده اعتبار تاریخی داد.

از منابع دیگر که به صورت سفرنامه بوده، سفرنامه «پلانو کارپینو»^۱ نماینده پاپ که در قوریلتهای^۱ جلوس گیوگ (۶۴۴ ه.ق) شرکت داشته؛ و دیگر «سفرنامه مارکوپولو» تاجر ونیزی که بیست سال در عهد قویبلای قآن در چین مقیم بوده است و دارای مشاغل اداری مهم؛ که هر کدام شرحی کامل از مسافرت های خود باقی گذاشته اند. مطالعه ایشان برای دستیابی به سؤالات مورد نظر کمک بزرگی است.

اما در میان محققین جدید اولین کسی که تاریخ عمومی بالنسبه مرتبی از اقوام ترک و تاتار نوشته «دگینی»^۲ است در پنج جلد، به اسم «تاریخ عمومی اقوام هون و ترک و مغول» به تاریخ

1- yuantchao-pi-chi

۱- plano carpino

۲- Deguignes